

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز ۱. جورج بارکلی جهان مادی را نفی می کند و معتقد به تصورات ذهنی هست که از طرف خداوند در نفس یا همان روح قرار داده شده و ماده را کلا انکار می کند و فقط نفس های دیگر یا همان روح های دیگر متناهی و خدای نامتناهی را قبول دارد، لطفا بفرمایید نقد این عقیده بارکلی و اثبات خلاف آن از نظر فلسفه یا فلسفه اسلامی چگونه است؟ لطفا این تفکر و اعتقاد بارکلی را برای بنده نقد کنید و خلاف آن را اثبات کنید. ۲. چرا برخی فیلسوفان غربی در صدد نفی جهان مادی و خارج هستند؟ چرا نمی توانند این موضوع را درک کنند و دنبال نفی و شک در آن هستند، چه نفعی برای آنها دارد که خود را گرفتار ایده الیسم می کنند، آیا ادراکشان مشکل دارد؟ اگر دنیا و جهان اطراف و ادراکات را همانگونه که هست تبیین کنند و قبول داشته باشند برایشان ضرری دارد که حاضر به شک و انکار حقیقت و واقعیات بدیهی هستند؟ چه مشکلی باعث می شود فیلسوفی که باید در راه حقیقت و واقعیت و بدیهیات گام بردارد همانند یک دیوانه و بیمار روانی دچار تفکرات مالیخولیایی و بی سر و ته می شود که حتی بدیهیات که مردم عادی به راحتی درک می کنند و مشکلی ندارند را نمی فهمد و شک می کند؟ با تشکر فراوان.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فکر می کنم جزوات «فلسفه ی غرب» به خصوص در رابطه با نظرات اسقف بارکلی مطالبی در اختیار شما قرار دهد. جزوات بر روی سایت هست. موفق باشید